

کشف حجاب در آئینه اسناد

حسام‌الدین آشنا

مقدمه:

از آنجا که اسناد اداری مربوط به کشف حجاب جزئیات این اقدام را تا حدی روشن نموده و زوایای تاریک تلاش‌های پی‌گیر حکومت را می‌نمایاند، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در این مقاله ابتدا با بهره‌گیری از منابع کتابی، مقدمات تاریخی کشف حجاب — از بدو امر تا پایان ریاست‌الوزرائی فروغی — مورد بحث قرار گرفته؛ و پس از آن با استفاده از بخش اندکی از مجموعه اسناد نخست‌وزیری — که امکان دسترسی به آنها فراهم شده است — بر آن بوده‌ایم تا به بررسی انواع اقدامات حکومتی در جهت کشف حجاب پرداخته؛ آنگاه موانع و مشکلات حکومت را در این راه ذکر کرده؛ و سپس میزان موفقیت جریان کشف حجاب را در سال‌های پس از سقوط سلطنت رضاشاه مورد بررسی قرار دهیم.

این نکته شایان ذکر مجدد است که با توجه به حجم زیاد اسناد مربوط به کشف حجاب، بررسی این مقدار اسناد محدود نخواهد توانست تمام ابعاد مربوطه را مورد کنکاش قرار دهد.

آخرین نکته درباره اعتبار اسناد مربوط به کشف حجاب است. وضعیت خاص دایره اداری در دوران رضاشاه و خفقان حاکم بر آن، خود را در لابه‌لای سطور گزارش‌ها نشان می‌دهد. در بسیاری موارد ادعاهای گزافه‌ای، تنها برای فرار از مجازات، به چشم می‌خورد. از این رو است که در بررسی اسناد می‌باید احتیاط لازم را به کار برد. دوران ۱۶ ساعه سلطنت مطلقه رضاشاه بر ایران، متضمن اقدامات فرهنگی متعددی بوده است که عمدتاً با تأکید بر ترک سنت‌های قدیمی و رو آوردن به مظاهر تمدن غربی صورت گرفته است.^۱ از میان تمام جریان‌های فرهنگی حکومت پهلوی اول، قضیه کشف حجاب بیش‌تر مورد توجه واقع شده است؛ چرا که از دیدگاه رضاشاه، کشف حجاب برابر بود با «امکان بروز استعداد و لیاقت ذاتی زن.»^۲ تحلیل‌گران تاریخ معاصر ایران عموماً بر آنند که کشف حجاب یکی از اساسی‌ترین اقدامات حکومت رضاشاه برای غربی کردن ظواهر کشور بوده است.

۶ گنجینه اسناد

علی‌رغم آن‌که کشف حجاب رسماً در ۱۷ دی ۱۳۱۴ اعلام، و اجبار به ترک حجاب از اول فروردین ۱۳۱۵ آغاز شده است... اما به نظر می‌رسد سال‌ها پیش از آن، فکر رفع حجاب، در میان خاندان سلطنتی وجود داشته است: چنانچه در «سنوآت ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷» ملکه ترویج دکلمته می‌کرد و منع چادر نماز^۳ و جریان قم در اول فروردین ۱۳۰۷ نیز نشانه‌ای از همین روحیه است.^۴ حتی آن‌گونه که از خاطرات مهدی‌قلی هدایت برمی‌آید، پیش از سفر شاه به ترکیه، در سال ۱۳۱۳ مقدمات تهیه لباس‌های جدید برای بانوان فراهم شده بود.^۵ از طرف دیگر زنان طبقات بالا نیز زمینه فکری و تبلیغاتی به اصطلاح آزادی زنان را به برگزاری دومین کنگره زنان شرق در ایران، به سال ۱۳۱۱، آماده کرده بودند.^۶

سفر رضاشاه به کشور ترکیه (۱۳/۴/۱۳۱۳ تا ۱۸/۵/۱۳۱۳) نقطه عطفی بود در تشبیت باورهای قبلی او مبنی بر لزوم کشف حجاب. اثر عمیقی که مشاهده وضع بانوان ترک بر روحیه رضاشاه گذاشت، تا آن حد بود که خطاب به سفیرکبیر ایران در ترکیه گفت: «هنوز عتب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیش‌رفت سریع مردم، خصوصاً زنان، اقدام کنیم.»^۷ پس از بازگشت از ترکیه شاه «در اغلب اوقات ضمن [بیان] پیش‌رفت سریع کشور ترکیه از رفع حجاب زن‌ها و آزادی آنها صحبت و تشویق می‌کرد.»^۸ از همان زمان شاه با جدیت مسئله را پی‌گیری کرد و در وهله اول علی‌اصغر حکمت وزیر معارف در جریان دقیق تصمیم جدید قرار گرفته و مسئولیت تهیه برنامه منظمی را — جهت آماده‌سازی مقدمات کشف حجاب — به عهده می‌گیرد.^۹ این برنامه در چهار محور تنظیم شده بود:

الف) ایجاد قانون بانوان، در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ قانون بانوان به ریاست شمس‌پهلوی و تحت نظارت وزارت معارف تشکیل گردید؛^{۱۰} تا در آن‌جا خانم‌های تحصیل‌کرده جمع شوند و آن قانون کارش این باشد که از رجال و دانش‌مندان و اشخاص معروف تهران دعوت کند که در آن‌جا برای حضار — از زن و مرد — خطابه‌ای

راجع به مقام زن و مرد در جامعه و در جامعه اسلام به خصوص بیان کند.^{۱۱}

ب) تشکیل تدریجی مجالس جشن و خطابه، به گونه ای که دختران در آنجا با روی باز در صف دانش جویمان قرار گرفته و به ایراد خطابه های اخلاقی و سرودهای مخصوص مدارس هم آواز شوند و رجال محترم را هم در آن مجالس دعوت کنند و بعد از آن مانند پسران به ورزش و مشق بدنی مشغول شوند.^{۱۲}

ج) انتشار یک سلسله مقالات به نظم و نثر در جراید؛ که همه به زبان پند و اندرز و انتقاد از عادات معمولی نقاب و حجاب سخن می گفت.^{۱۳}

د) اداره مدارس ابتدائی تا سال چهارم به صورت مختلط توسط زنان.^{۱۴}

این اقدامات در میان روحانیون و مردم، به خصوص در شهرهای مذهبی، با مقاومتی جدی روبه رو شد؛ از جمله در فروردین ۱۳۱۴ مجلس جشنی در شیراز با حضور وزیر معارف تشکیل شده بود که در آن «دختران صف منظمی آراسته، بعد از آن که لایحه خواندند و سرود سرآیدند، به ورزش و ژیمناستیک مشغول شدند.»^{۱۵} روز بعد این خیر مانند بمب در شهر صدا می کند و موجب سر و صدای مردم می شود و عده زیادی از مردم در مسجد وکیل اجتماع می نمایند. سید

حسام الدین قالی - که از علماء و روحانیون متنفذ شیراز بود - به منبر می رود و سخت اعتراض می کند و اعمال جشن را تفسیح و محکوم می نماید. خبر جنبش شیراز و تعطیل بازار به تهران می رسد و لاجرم در گرفتاری سید حسام الدین صادر می شود و او را زندانی می کنند.^{۱۶} انتشار شایعات مربوط به قریب الوقوع بودن کشف حجاب و برخورد تند حکومت با مخالفان این امر، موجب بروز هیجانات زیاد و بست نشستن مردم مشهد در صحن مسجد گوهرشاد شد. قوای نظامی به کسب دستور از طرف وزیر کشور وقت (جم) به جمعیت هجوم برده و در ۲۰ تیر ۱۳۱۴، پس از کشتار عده ای، مردم را آرام می نمایند. تحقیقات در مورد محرکین شورش پنج ماه به طول می انجامد و در نهایت اسدی نایب التوبه در تاریخ ۱۳۱۴/۹/۴ متهم به دست داشتن در غائله شده، دستگیر و سپس اعدام می گردد. متعاقباً رئیس الوزراء فروغی - به واسطه نسبتی که با اسدی داشته و وساطتی که از او می کند - مورد غضب قرار گرفته و مستعفی می شود.

در تاریخ ۱۴/۹/۱۱ محمود جم با حفظ سمت وزارت کشور به عنوان جانشین فروغی انتخاب می گردد و شاه در اولین جلسه ملاقات، پس از معرفی وزراء، به ضرورت خصوصی - ضمن بیان نفرت خود از چادر و چاقچور و این که دو سال است موضوع زنان فکر او را



مشغول کرده - ضرورت پیاده شدن رفع حجاب را به او گوش زد می‌کند.^{۱۷} شاید بتوان گفت یکی از مأموریت‌های اصلی کابینه جم (۱۴/۹/۱۱ تا ۱۳۱۶/۷/۱) اجرای کشف حجاب بوده است؛ و از آنجا که سرکوب نهضت مشهد و اعدام اسدی رعب و وحشت زیادی در میان مردم ایجاد کرده بود - از دیدگاه شاه - زمینه لازم برای اجرای مرحله بعدی برنامه آماده شده بود.^{۱۸} لذا با احضار حکمت و مشاوره با او، تا آغاز سال بعد اعلام رسمی کشف حجاب مقدمات با سرعت بیش‌تری دنبال می‌گردد.

برنامه‌های تبلیغی:

تنها دو هفته پس از استقرار دولت جم، وزیر معارف که در پست خود ابقاء شده بود، در تاریخ ۱۴/۹/۱۵ ضمن ارسال دستورالعمل مفصلی، برنامه‌های تبلیغاتی و فرهنگی لازم را در حوزه وزارت معارف تشریح می‌کند.^{۱۹} مفاد این دستورالعمل در مواردی با آنچه قبلاً ذکر شد مشترک است؛ ولی تفصیلات بیش‌تری در بر دارد و هدف برنامه چنین ذکر شده است: «طبقه نسوان کشور ما که مادران رجال فردا هستند - مانند زنان سایر ممالک متمدنه - از برکات علم و دانش و تمدن و تربیت برخوردار شوند.» در این برنامه با تفکیک گروه‌های سنی، برای هر گروه برنامه خاصی طراحی شده بود. برای خردسالان تأسیس کودکستان‌های مختلط و اداره تدریجی مدارس ابتدائی به صورت مختلط - و توسط بانوان - پیش‌بینی شده بود؛ در مورد دختران نوجوان محصل، بر پوشیدن لباس متحدالشکل در مدرسه، خیابان و حتی منزل تأکید شده بود؛ کار در مورد گروه بانوان مشکل‌تر بود؛ در این زمینه لازم بود از دوروش حساب شده، به موازات هم استفاده شود؛ اولین قدم این بود که در محیط مدارس مجالسی تشکیل شود که بانوان مدعو با همسران خود حاضر شده - و ضمن مشاهده آموزگاران و دانش‌آموزانی که لباس متحدالشکل در بر دارند - به سخنرانی‌های افراد تحصیل کرده و موجه، و نیز اشعار و سرودهای دختران دانش‌آموز، گوش فرا دهند. موضوع این سخنرانی‌ها بسیار متنوع می‌نماید. اما تأکید بر این بود که «مخصوصاً باید آداب نشست و برخاست و پوشیدن لباس و معاشرت چنانکه مابین خانواده‌های غنی و نجیب در ممالک متمدنه عالم معمول است - به آنان بیاموزند» و قدم دوم، ترتیب مجالس غیررسمی و رفت و آمدهای خانوادگی بین محترمین شهر بود. نکته قابل توجه در این طرح آن است که برای مقابله با تبلیغات مخالف، نوعی توجیه مذهبی برای اقدامات بالا طرح شده و لزوم ترویج آن گوش‌زد گردیده است.

جزئیات این برنامه، در سال‌های بعد، با دقت تمام اجراء شد؛ با این فرق که در عمل سخت‌گیری‌های مأمورین شهرستانی کشف حجاب را، به تدریج به اقداماتی خشونت‌بار تبدیل کرد. با آغاز سال جدید (۱۳۱۵) فعالیت‌های تبلیغاتی وزارت معارف، وارد دوره جدیدی می‌شود؛ و از خراسان گرفته تا دورترین روستاهای آذربایجان، همه جا صحنه هنرمائی کسانی می‌شود که می‌خواهند به سهم خود در این «نهضت مقدس!» نقشی ایفا کنند. سیستم اداری کشور، به سرعت وظائف مسئولین رده‌های مختلف را مشخص کرد.

تقارن فروردین ماه آن سال با ایام محرم^{۲۰}، باعث شد که احساسات و عواطف مردم آم‌دگی پذیرش کشف حجاب را نداشته باشد. از این رو است که حکومت سمنان در قسمتی از گزارش خود شرح می‌دهد: «در دهه عاشورا به واسطه شرکت خانم‌ها در عزاداری، اواسط الناس شال گردنی عوض کلاه به سر می‌پيچند.»^{۲۱}

اما از طرف دیگر در همان زمان، بعضی روحانیون وابسته، بر سر منبر به تمجید از اقدامات حکومت می‌پرداختند؛ چنانچه در همان گزارش، درباره فردی به نام افتخارالاسلام طباطبائی آمده است که: «در ضمن ذکر مصائب آل محمد (ص) حرف‌های مؤثر خوبی زده و مراتب شاه‌پرستی را به کمال رسانیده.»^{۲۲} یا در سند دیگری درباره سخنان واعظی به نام پورداد آمده است که: «در قسمت محسنات ساده‌پوشی بانوان و تحسین از پیش‌رفت‌های دوره اخیر، که در تحت توجهات شاهنشاه کبیر در ایران شده و تکذیب از اخلاق فاسده گذشته می‌نماید، فوق‌العاده بیانات ایشان برای تسویه اخلاق و رفتار اهالی و بانوان این شهر مؤثر واقع [شده].»^{۲۳}

پس از گذشت ماه‌های محرم و صفر، مجالس «جشن نهضت» در نقاط مختلف کشور تشکیل می‌شود؛ مثلاً در گلپایگان گزارش رسیده حاکی از این بوده که: «قرار شد حکومت به بهانه‌هایی از قبیل افتتاح زمین ورزش - کنفرانس و غیره دعوت‌هایی از آنها نموده؛ و ضمناً اهالی را نیز وادار نماید که به‌عناوین مختلفه دعوت‌هایی مابین خود بنمایند.»^{۲۴}

اقدام دیگری که در جهت تشویق اختلاط زن و مرد انجام گرفت، اجبار کارمندان دولت به حضور و گردش در خیابان‌ها به همراه همسرانشان بود. حاکم قوچان در این باره می‌نویسد: «راجع به نهضت بانوان و مراقبت در پیش‌رفت آن شرح مؤکدی اخیراً به کلیه رؤسای دوائر دولتی نوشته شد، که در ایام و مواقع تعطیلی و هنگام گردش مخصوصاً با خانم‌های خود در خیابان‌ها گردش نموده،

سرمشق اهائی باشند. در نتیجه دو روز است کلیه مأمورین، موقع عصر، با خانه های خود در خیابان ها گردش و عبور و مرور نموده، نتیجه مؤثری بخشیده است.»^{۲۵}

انعکاس وسیع اخبار و تصاویر مربوط به کشف حجاب، یکی از مهم ترین و مؤثرترین اقدامات تبلیغی بوده است. این پوشش خبری از طریق ارسال عکس های متعددی از مجالس جشن و سخنرانی برای نخست وزیر، و از طریق او به روزنامه ایران و دیگر جرائد وابسته انجام می شده است.^{۲۶} جالب این که مسئله عکس برداری گاه چنان اساسی تلقی می شده که تشکیل مجلس، به خاطر فقدان امکانات عکاسی متوقف می شده است.

اقدامات انتظامی:

اقدامات انتظامی چهره دوم جشن ها و سخنرانی ها بود و در واقع سیاست تشویق و تنبیه را کامل می کرد.

در فاصله دی تا اسفند ۱۳۱۴ وظیفه شهربانی مطابق متحدالمال ۱۴۴۲ تنها تقویت کشف حجاب^{۲۷} — یعنی همکاری با وزارت معارف و حفظ نظم مجالس «نهضت بانوان» — و در نهایت حفظ امنیت و جلوگیری از سوءاحترام به زنان متجدد بوده است.^{۲۸} با آغاز سال جدید و ارسال امریه ۴۰۱ — مبنی بر این که «مأمورین کار را

تمام شده فرض نکرده و با کمال جدیت و متانت، نسبت به اجرای مقصود با تشویق و وسائل دیگر به طور دائم مراقبت کنند»^{۲۹} — مسئولیت بیش تری بر عهده شهربانی نهاده می شود. منظور از «وسائل دیگر» همان به کارگیری زور و خشونت در اجرای کشف حجاب بوده است؛ و از این زمان است که اقدامات انتظامی به تدریج بر اقدامات تبلیغی پیشی می گیرد.

با استقرار پاسبان ها در معابر عمومی، رفت و آمد زنان چادری کنترل می شد و برای برداشتن چادر به آنها اخطار می گردید و «چون باز زن هائی دیده می شدند که دست از عادت قدیم خود برداشته و با چادر نماز عبور و مرور می نمودند ناچار چادر آنها گرفته و ضبط شد.»^{۳۰} بانوان مؤمن — که از طرفی به حجاب پای بند بودند و از طرف دیگر با منع استفاده از چادر مواجه می شوند — به نسبت ذوق و توانایی های خود، سعی در حفظ حجاب اسلامی داشتند. زنان با پوشیدن پالتهای بلند به همراه کلاه های بزرگی که مورا در بر می گرفت^{۳۱}، یا به سر کردن چارقد و شال گردن، از خیابان ها عبور می کردند.

در مقابله با این قبیل اقدامات امریه متحدالمال ۲۹۷۰ صادر می شود و «جلوگیری از استعمال چارقد بانوان و سایر عملیات آنها

۱۵/۳/۱۱



که مضحک و به اشکال مختلفه خود را مستور می دارند» مورد تأکید قرار می گیرد و شهربانی مأمور می شود تا «به مأمورین خود دستور دهد که در کوچه و بازار و معابر و غیره تفتیش کنند اگر بانوئی با چارقد دیده شود، شدیداً مؤاخذه و ممنوع دارند»^{۳۲} اجرای مفاد این امریه کار را به خشونت می کشاند و بانوان محجبه حتی در کوچه ها نیز مورد تعرض قرار می گیرند، تا آن جا که در شهری مانند نسمان - تا یک هفته پس از ابلاغ امریه - ۲۰۰ عدد چارقد و شال از بانوان گرفته می شود.^{۳۳} و در کاشان اطلاعیه شدیداللحنی خطاب به بانوان صادر می گردد.^{۳۴}

کار شهربانی به شهرها و شهرستان ها محدود نمی شده؛ بلکه در دهات و قریه، که نظمیه حضور فعالی نداشته، کدخدای ده برای مراقبت از اهالی تحت فشار واقع می شده؛ مثلاً در داورزن - یکی از قریه سبزوار - «کدخدای محلی در جریان بازجوئی اظهار داشت کسی از خانم های محلی ندیده ام چادر سر کند؛ چنانچه در آتیه مشاهده نمایم که کسی از نسوان چادر یا مردان عبا استعمال نمایند، تعهد می کنم که قضیه را ضمن معرفی اشخاص مختلف به پست داورزن معرفی کنم.»^{۳۵}

حتی در مناطقی که شهرنشینی و به تبع آن پوشش چادر نیز وجود نداشته است، شهربانی ترک لباس های محلی و پوشیدن لباس های شهری جدید را لازم می شمرده است؛ در نتیجه مناطق ایلاتی، کردنشین و لرنشین هم از تعرض مصون نماندند.^{۳۶} و حکومت کرمانشاهان با صدور متحدالمالی، از همه نواب حکومت خواست تا ترتیبی اتخاذ نمایند که لباس اهالی قریه و قصبات نیز به شکل بانوان «متمدن دنیا» در بیاید.^{۳۷}

گزارش مفصل حکومت کاشمر به ایالت خراسان که متضمن شرح اقداماتی نظیر «التزام گرفتن از حمام های زنانه که هیچ زنی را بدون کلاه به حمام راه ندهند، گماشتن مفتشه در حمام ها برای مراقبت از زنان، التزام گرفتن از صاحبان گاراژها و منع بانوان پوشیده از زیارت قبور مردگان...» است، «تنها نمونه ای از شدت کنترل اجتماعی برای در فشار قرار دادن زنان ناهمسورا می رساند.»^{۳۸}

در سطح ادارات نیز بر بالاترین سطوح تا کارمندان عادی، فشار زیادی وارد می شد تا آنان در مراسم کشف حجاب شرکت کرده؛ و در معابر همراه همسرانشان حرکت کنند. و اگر «بعضی از اعضاء ادارات از بیرون بردن خانم های خودشان به کنفرانسها و مجامع عمومی غفست می ورزیدند»، به رؤسای ادارات اخطار می شد که «به اعضای خودشان تذکر دهند - من بعد اگر غفلت و کوتاهی نمایند - به ضرر خودشان تمام شده و صورت آنها با نام و نشان به

مقام ایالت گزارش خواهد شد.»^{۳۹} کارمندان عادی چنان تحت مراقبت بودند که تنها یک گزارش امنیه، در مورد این که همسری با حجاب دارند، کافی بود تا «فوراً او را احضار و از خدمت خارج نمایند.» به طور مثال این رویه در مورد یکی از کارمندان مالیه اسفراین اعمال شد.^{۴۰}

در رده های بالاتر کوچک ترین احتمال عدم پیش رفت قضیه کشف حجاب در یک منطقه، موجب تهدیدات شدید اداری بوده است.^{۴۱} در ارتش نیز هنگامی که یکی از مقامات قضائی ارتش از برداشتن روسری نازک همسرش، در هنگام تشریف به حرم مطهر امام رضا (ع)، استنکاف می ورزد با نامه آستان قدس - از طرف رئیس اوزراء و وزارت جنگ - به محاکمه کشیده می شود.^{۴۲}

موانع و مشکلات:

مذهبی بودن منطقه

تمام مناطق کشور از حیث تعلقات و تقیدات مذهبی یک سان نبود و تعمیم کشف حجاب به شهرهای مذهبی، با مشکلات بیش تری همراه بود. در قم، حتی پیش از ۱۷ دی، مقاومت مردم کاملاً محسوس بوده است؛ همان گونه که حاکم قم اشاره می کند: «قم راجع به اجرای این دستور غیر از سایر شهرها است.» بانوان معلم تهدید به استعفا کرده بودند «و اهالی به واسطه انتشار خبر راجع به رفع حجاب، دخترهای خود را از مدرسه بیرون آورده [بودند]» و اعلانی دیواری نیز مردم را به اقدام برضد این موضوع دعوت می کرد.^{۴۳} در شهر اصفهان مشکل دیرپا بودن سنت های مردم چنان بوده که حکومت اصفهان در پاسخ متحدالمال ۲۹۷۰ می نویسد: «ولی تصدیق خواهند فرمود که در مثل اصفهان که حتی درشکه چی های آن هم معمم بوده اند، این قبیل از مسائل و ترک عادت چند ساله، باید به تدریج عملی گردد.»^{۴۴}

کمبود نیروهای انتظامی

نقش نیروهای انتظامی در تحقق کشف حجاب انکارناپذیر است؛ چرا که بلافاصله پس از شهریور ۱۳۲۰، و عدم مداخله قوای نظامی، گرایش بانوان به حجاب و گسترش آن بسیار چشمگیر می شود.^{۴۵} عدم حضور شهربانی در یک منطقه، یا کمبود نیروهای انتظامی، برای عدم پیش رفت کشف حجاب کافی بوده است. همان گونه که در سند شماره ۴ آمده است حاکم قم برای رفع مشکلات، تقاضای افزایش تعداد افراد شهربانی را می نماید و در خوانسار «به واسطه نبودن شهربانی در آن جا و عدم مراقبت حکومت و منصدی امنیه، خانم ها با سر و صورت بسته و مستور مشاهده و

اشخاص هم با عبا بیرون می‌آیند.»^{۴۶} برای حل این مشکل روش گشت خیابانی به جای پاس‌های ثابت پیش نهاد شده بود.

مشکل تهیه البسه جدید

چادر نه تنها پوشش کاملی است، بلکه دارای صرفه اقتصادی نیز هست. چادر با پوشاندن محاسن زنان، و با پوشاندن معایب آنان، از اخلاق جامعه، و از آبرو و شأن اجتماعی خودشان محافظت می‌نماید. تغییر لباس در وهله اول مستلزم خرید کلاه و مانتو بوده است؛ و در مراحل بعد، خریدن لوازم آرایش و کفش مناسب، بر هزینه خانواده تحمیل می‌شده است. این خرج‌های اضافی، برای طبقات ضعیف قابل تحمل نبوده است. در این میان کارمندان دولت که قاعدتاً می‌بایست پیش‌قراولان اقدامات حکومت باشند، با مشکلی مضاعف روبرو بودند.

این مشکلات و عواقب اقتصادی کشف حجاب — در جلسه توجیهی اداره ثبت اسناد همدان، در تاریخ ۱۴/۱۰/۲ — با آینده‌نگری عمیقی چنین بیان شده است: «تنها اشکالی که به نظر همقطرانم رسیده، مسئله استیصال و بیچارگی آنها است؛ که حقوق اکثریت آنها در حدود دویست و دویست و سی و چهل ریال و کم‌تر آنها که دارای مقام و منزلت بیش‌تری در انظار هستند در حدود چهارصد ریال و اجزای جزء هم در حدود یکصد و یکصد و بیست ریال است. تصدیق می‌فرمائید که با این حقوق تغییر لباس زن‌هایی که حالا به صورت نشناخت برای خرید معاش زندگانی یومیه از خانه خارج، و در آینده در مقابل چشم و هم‌چشم با مُد جدید باید بیرون بروند، چه تفاوت فاحشی و چه قدر تهیه آن مشکل خواهد بود.»^{۴۷} برای حل مشکل، راه‌حلی این چنین پیش‌نهاد شده است: «اگر بشود وزارت مالیه و ادارات مربوطه کمکی به این قبیل مستخدمین نمایند؛ که حقوق یک ماه آنها به‌طور مساعده پرداخته شود، و از فاصله پنج یا شش ماه استهلاکاً از حقوق آنها کسر گذارده شود.»^{۴۸} این پیش‌نهاد مورد موافقت نخست‌وزیر قرار می‌گیرد و به عنوان یک رویه به وزارت مالیه توصیه می‌گردد.^{۴۹}

تهیه لباس جدید برای زنان فقیر و بی‌بضاعت، یکی از اقدامات حکومت در شهرهای مختلف بود. برای تهیه لباس بانوان فقیر و بی‌بضاعت، تدابیر متفاوتی اندیشیده شد؛ روش عمومی جمع‌آوری اعانه در مجالس «جشن نهضت، برای فقراء بود؛ اما مواردی که این مبالغ برای تأمین هزینه‌ها کفایت نمی‌کرده، استفاده از موقوفات خیریه و اعانات مربوط به زلزله‌زدگان نیز توسط حکومت‌های شهرستان‌ها پیش‌نهاد می‌گردیده است.^{۵۰}



زنان مسلمان غیر ایرانی

اجرای قانون رفع حجاب در داخل کشور موجب شد که زنان مسلمان خارجی - که عموماً برای زیارت و سیاحت در کشور به سر می بردند - با مشکل تردد در معابر روبه رو شدند. این قبیل زنان یا باید به لباس های جدید ملبس شده، و یا پوشش های ملی خود را در بر کنند؛ به شرط آن که شباهتی با چادر و روسری نداشته باشد. و «هرگاه به این ترتیب مایل نیستند، بهتر این است اقامت خود را در ایران ترک نمایند.»^{۵۱} قضاوت در مورد میزان موفقیت حکومت در امر کشف حجاب، موضوعی است که در این وجیزه توان پرداختن به آن نیست و مجال دیگری می طلبد.

در پایان با ارائه نامه ای که در اواخر سال ۱۳۲۲ از طرف وزیر کشور، خطاب به نخست وزیر، نگاشته شده نظر خوانندگان محترم را به دیدگاه مسئولین کشور درباره سرانجام کشف حجاب پس از شهریور ۲۰ جلب می کنیم.^{۵۲}

پانویسها:

- ۱- برای تحلیل مفصل این مسئله ر. ک به کاتوزیان، محمدعلی - اقتصاد سیاسی ایران - ترجمه محمدرضا نفیسی - ج ۱ - فصل ۶.
- ۲- صدر، محسن - خاطرات صدرالاشرف - ص ۳۰۲.
- ۳- هدایت، مهدی قلی - خاطرات و خطرات - ص ۴۰۷.
- ۴- حکمت، علی اصغر - سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی - ص ۲۰۲.
- ۵- هدایت، همان ص ۴۷.
- ۶- استاد ملک، قاطمه - حجاب و کشف حجاب در ایران - ص ۱۱۲.
- ۷- مکی، حسین - تاریخ بیست ساله ایران - ج ۶ - ص ۱۵۷.
- ۸-
- ۹- صفائی، ابراهیم - رضاشاه در آینه خاطرات - ص ۱۰۱ به بعد؛ و حکمت، همان ص ۸۸ به بعد.
- ۱۰-
- ۱۱- صفائی، همان ص ۱۰۲.
- ۱۲- حکمت، همان ص ۸۹.
- ۱۳- حکمت، همان ص ۹۰.
- ۱۴- صفائی، همان ص ۱۰۲.
- ۱۵- حکمت، همان ص ۹۰.
- ۱۶- مکی، همان ص ۲۵۲.
- ۱۷- مکی، همان ص ۲۶۱. مقایسه کنید با حکمت، همان ص ۱۰۱. به نظر می رسد جم و حکمت هریک سعی داشته اند افتخار طراحی کشف حجاب را به خود منتسب کنند.

- ۱۸- بری بی بردن به رابطه بین سرکوب قیام گوهرشاد و تسریع در اعلام کشف حجاب ر. ک. به حکمت، همان ص ۹۳.
- ۱۹- سند شماره یک.
- ۲۰- چهره فروردین ۱۳۱۵، در آغاز ماه محرم همزمان بوده است.
- ۲۱- سازمان اسناد ملی - مجموعه اسناد نخست وزیری، با شماره عمومی ۱۰۳۰۰۳ - نامه شماره ۲۳۶، تاریخ ۱۳۳۳، سند ۱۳۱۵، و پاسخ به نامه ۱۰۱ - ۱۵/۱/۱۵.
- ۲۲- همان. سند شماره ۲، این فرد با اشاره حکومت خراسان مورد تقدیر رئیس الوزراء قرار می گیرد. ر. ک به همان نامه ۱۱۲۹ - ریاست الوزراء.
- ۲۳- همان. گزارش حکومت رضائیه به تاریخ ۱۵/۲/۲۹.
- ۲۴- همان. نامه سند ۴۱۱، مورخ ۱۵/۲/۲۹، حکومت حسسه به ریاست الوزراء و وزیر داخله.
- ۲۵- همان. سواد راپورت حکومت قوچان به شماره ۱۵۰۳، مورخه ۱۵/۳/۲۸.
- ۲۶- همان. سند شماره ۳ و نامه های متعدد دیگر.
- ۲۷- همان. متحد المال ۱۴۴۲ - یافت نشد؛ اما مفاد آن در پاسخ های رسیده درج شده است. ۱۴/۹/۱۹.
- ۲۸- همان. سند شماره ۴، ص ۱، سطر ۱۳.
- ۲۹- همان. نامه حکومت اصفهان. که رئیس الوزراء در پاسخ به امریه ۴۰۱ به تاریخ ۱۵/۱/۱۸ نوشته است، سطر ۱۰.
- ۳۰- همان. نامه حکومت مازندران به ریاست الوزراء در تاریخ ۱۵/۳/۱۹، شماره ۲۱۶۱، سطر ۴.
- ۳۱- نقل شفاهی یکی از بانوان مشن.
- ۳۲- اصل این امریه بدست نیامد و مضمون آن از پاسخ های رسیده استخراج شده است.
- ۳۳- همان. گزارش حکومت سمنان به وزارت داخله ۱۵/۳/۱۸ - ۱۴۴۵.
- ۳۴- همان. سند شماره ۵.
- ۳۵- همان. نامه امنیه سبزوار، نمره ۱۹۴۳۲، مورخ ۱۵/۱۰/۱۶.
- ۳۶- همان. نامه شماره ۱۹۵۰۷ و حکومت کرمانشاهان. ۱۵/۱۱/۱۳.
- ۳۷- همان. سند شماره ۶.
- ۳۸- همان. سند شماره ۷.
- ۳۹- همان. سواد گزارش حکومت نیشابور، نمره ۶۰۲۹، مورخه ۱۵/۱۱/۲، به ایالت خراسان.
- ۴۰- همان. نامه رئیس الوزراء به وزارت مالیه، در خصوص یکی از کارمندان مالیه آسفراین به نام جوادی، به شماره ۱۵/۱۱/۲۵ - ۱۴۴۲.
- ۴۱- همان. سند شماره ۸، و نامه ۱۵/۱۱/۱۳ ایالت خراسان به حکومت نیشابور.
- ۴۲- همان. سند شماره ۹.
- ۴۳- همان. سند شماره ۴.
- ۴۴- همان. نامه حکومت اصفهان به ریاست وزراء، به تاریخ ۱۵/۳/۲۱ - ۴۳۷۱.
- ۴۵- همان. آوری، پیشتر. تاریخ معاصر ایران - ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی - ج ۲ - ص ۷۳.
- ۴۶- همان. نامه ریاست الوزراء به وزارت داخله به تاریخ ۳۰۱۸ - ۱۵/۳/۱۲.
- ۴۷- همان. سواد مراسله حکومت همدان، ثبت اسناد نمره ۱۴۷۷۷، مورخه ۱۴/۱۰/۲.
- ۴۸- همان. نامه حکومت همدان به ریاست وزراء ۱۰۶۷۶ - ۱۴/۱۰/۳.
- ۴۹- همان. نامه ریاست وزراء به وزارت مالیه ۷۲۷۵ - ۱۴/۱۰/۸.
- ۵۰- همان. سند شماره ۱۰ و سند شماره ۱۱. البته در دو مورد اخیر با پیش نهادها موافقت نشد.
- ۵۱- همان. یادداشت ایالت خراسان خطاب به ژنرال قونسول گری دولت پادشاهی افغانستان ۷۳۶۹ - ۱۵/۵/۷.
- ۵۲- همان. سند شماره ۱۲.

مقام منبع ریاست وزراء دامت شوکتہ

آقای افتخارالاسلام طباطبائی متجاوز از یکماه است در سمنان در منابر و مجالس که برای جشن ها منعقد میشده بیانات سودمند داشته چنانکه کتباً و تلگرافاً راپرت شده خاصه عشره عاشورا هم در مساجد و مجامع عمومی متبر رفته در ضمن ذکر مصائب آن محمّد (ص) حرفهای مؤثر خوبی زده و مراتب شاهپرستی را به کمال رسانیده برآستی حوزه سمنان را این عالم روحانی کاملاً باصلاحات درخشان فعلی متوجه بلکه روح شاهپرستی را در جامعه این جا با بیانات عالمانه خود تزئید نموده از این رو استدعا دارم پاداش و جبران زحمات و خدمات معزّی الیه را هرطوریکه مقتضی دانند انجام و مرحمت فرمایند - حکومت شهردار سمنان

محل مهر

سند شماره ۲

متحدالامان به نواب حکومت

مقصود از نهضت بانوان در کشور فقط این نبوده است که رفع حجاب نمایند زیرا در کشور ایران رو گرفتن از عادات زشت شهرنشینان بوده و اهالی قراء و قصبات به هیچ وجه چنین عادتی نداشته اند این قسمت اقدامی که لازم است نایب الحکومه و سایر مأمورین دولتی نمایند این است که لباس از اشکال مختلفه بیرون آمده و به شکل بانوان متمدن دنیا درآیند یعنی باید لباس بلند و ساده و کلاههای سبک وزن بپوشند و بندیی است طرز تهیه و قیمت لباس از حیث خوبی و بدی پارچه و دوخت به تناسب دارائی هر کسی خواهد بود که درعین حال به عموم نصیحت بدهید که از تجملات و استعمال پارچه خارجه اجتناب نمایند و لباسهای فعلی آنها نباید شبیه به لباسهای ایلاتی بوده باشد.

محل امضاء - حکمران کرمانشاهان - سواد مطابق اصل است.

ایالت خراسان

سواد: راپرت حکومت کاشمر نمره: ۵۴۱ مورخه: ۱۵/۳/۳۰

ایالت خراسان - پیاسخ مرقومه شماره ۴۱۱۰ راجع به بانوانی که با چارقد خود را مستور می سازند لازم است خاطر مبارک در اقداماتی که قبل از وصول مرقومه فوق الذکر بعمل آمده است مستحضر نمایند.

۱ - بوسیله شهرداری از حمامهای زنانه التزام گرفته شده که هیچ زنی را بدون کلاه به حمام راه ندهند و در صورتیکه زنی با چارقد به حمام برود باو اخطار کنند که بار دیگر چارقد را ترک و با کلاه برود و اگر بار دیگر هم با چارقد بحمام رفت اسم او و شوهرش را راپرت دهند.

۲ - از لحاظ اینکه مبادا حمامیها در اجرای التزام خود مراقبت نکنند مأمورینی به طور محرمانه گماشته شد که وضعیت خانمها و مراقبت حمامی را اطلاع دادند در اوائل ماه جاری اطلاع رسید که در حمامها در خور انتظار ابراز جدیت نمی شود و ناچار مجدداً احضار و ملتزم شدند.

۳ - اداره شهربانی به بازار و خیابان پاسبان گماشته و به خانمهایی که چارقد دارند اخطار میکند که چارقد خود را ترک نمایند و تا موقعیکه امر را اجرا و همین قدر که دور شدند مجدداً به استعمال چارقد مبادرت می ورزند.

۴ - در گاراژهایی که در شهر است التزام گرفته شد که زنهای با چارقد را سوار نکنند.

۵ - در باغ مزار که شبهای جمعه به عنوان زیارت رفت و آمد می شود مأمور گماشته شده که زنهای با چارقد را اجازه دخول ندهند.

۶ - چون عده ای در بدو امر متعذر بودند استطاعت خرید کلاههای گران قیمت فرنگی را ندارند و در محل هم کلاه ارزان قیمت یافت نمی شود ناگزیر از استعمال چارقد می باشند برای رفع این بهانه کلاه مالها را احضار و دستور و نمونه داده شد که از نمک کلاه تهیه کنند و همینطور بخیاطها دستور داده شد که از نمک کلاه تهیه کنند و همینطور بخیاطها دستور داده شد در کلاه تزیین ساده (لبه) دوخته بود داشته باشید که در موقع مراجعه شهری حاضر باشد با این مراقبت و جدیت و با تهیه وسائل هنوز عده ای به عدت عدم بضاعت قادر به تهیه کلاه نبوده و در میان نیز شاید معدودی باشند که برای

عموماً چارقد استعمال می‌کنند در صورت امکان اجازه فرمایند از بودجه شهرداری تحت نظر کمیسیون مرکب از رئیس شهربانی و رئیس مأمیه و دو یا سه نفر معتمد محل کلاه تهیه و تقسیم گردد که سایرین خود را به استعمال کلاه مجبور دیده از استعمال چارقد خودداری نمایند.

البته در نتیجه این اقدام دیگر زنی با چارقد در شهر دیده نخواهد شد چنانچه خرید کلاه برای اشخاص بی بضاعت از بودجه شهرداری مقدور نباشد اجازه فرمایند اعانه جمع آوری و به مصرف برسد زیرا انجام این منظور به برانداختن چارقد کمک بزرگی خواهد کرد.

حکومت کاشمر مهر و امضاء

رفع ملاحظات محلی تا مجبور نشوند از استعمال کلاه خودداری می‌کنند.

با رئیس شهربانی که مذاکره شد مشارالیه عقیده دارد که در طبقات مختلفه تناوباً به عنوان عکسبرداری از ناحیه حکومت دعوت و مقید شوند که با کلاه حضور پیدا کنند تا این نقیصه رفع شود، بدیهی است این اقدام با داشتن مخارجی جهت پذیرایی مسعورین و عکسبرداری برای یک مرتبه مفید خواهد بود ولی دوامی ندارد و اگر پاسبانها همانطور که در همه جا معمول است قدری محشر اعمال نمایند و در صورت امکان [به] بهانه تخلف از مقررات چند نفری را به شهربانی جلب و به محکمه احضار نمایند مفیدتر خواهد بود و هم چنین برای زنهای بی بضاعت که قادر به خریداری کلاه نیستند و

تاریخ ۱۵ ماه ۱ سنه ۱۳۰۳
 در وقت داخله
 تمام مبلغ ریست دوازده هشتاد و شش
 در بار حسن بنقص شده بیانات کرده در وقت خانگی و مقرران
 در وقت شصت و هشتاد و چهارم در صلح اولی و منبرانه
 در ضمن اکر حساب آل محمد صلوات الله علیه بر او شر خوب زده در کتاب
 بر اثر در بکمال رسانید بر بهتر حوزه. نسیان در این عالم روحانی
 با صدعات در بخش نفع توجه بلکه روح شاه پسر در جامعه
 با بیانات عالمان خود تزیین کرده در این روایت عا درم یاد
 در جبران رخصت و فدایات سفیر در راه و طریقه تقصیر نشده در تمام
 در وقت فرمانیه - حکومت و شهر در زمان کلان

دولت کاشمر
 تاریخ ۱۳/۱/۳۰
 شماره ۱۱۳۹



وزارت داخله

حکومت کرامشاهان

سواد و بهر حکومت کرامشاهان
مورخه ۱۱/۳ ماه ۵/۱۳۱۵
نمبره ۲۰/۱۹

محمد علی پسر پورن بگورگ

مستعمل ذلت حضرت بانوان در گذر خدمت این بزرگوار است در رفع حاجت بنامه زوار درگذرد ایشان روگردانی در
 عادت است شریفی در رانای در ایام و در وقت مسووم ضمن عادت بنامه زوار و این قسمت
 ادرسی در خدمت است نایب کمند بی و با گردن در صحت بنامه زوار است در بیاید در کسالت مکتبه
 مورد آمد و دستگاری بنامه زوار در این روز آینه نشینی با هم در سر بنامه زوار کمند و کمند هم رسیده در این
 بیست و نه روز است و در لایحه و همیت بیست و نه روز است و در وقت بیست و نه روز
 در روزی برسی خواهم بود در درسی عالی هم در خدمت بیست و نه روز است و در کسالت در میان مردم
 حایره خیر است نامیده در بیاید وضع آینه بنامه زوار بنامه زوار بیست و نه روز است و در بیاید در بیاید در بیاید
 در بیاید در بیاید در بیاید در بیاید در بیاید در بیاید در بیاید در بیاید در بیاید در بیاید در بیاید در بیاید

۳ نمونہ (۱)



ایالت خراسان

ادارہ

سواد نمرہ مورخہ وزارت کہ اصل آن بہ نمرہ ثبت شد

برک از دست خود را به دست خود در این صورت
بجگوارا بیدار استعمال صیرت خود در این صورت

است در این صورت با حاکم در این صورت
تعداد از خود را از این صورت
حک برزگ و امیر دولت



تاریخ:
نمبر: ۳۱۳

وزارت داخله

حکومت کشان نظنز و جوشقان

از فرار طبع بانوان به چاره در میان بر حضور و مردر همایند
حتی بعضی با بطور مضحک خود را به اشغال مختلف و عجیبی در
آوردند و دستور میدارند چون آدماه این وضعیت غیر مطلوب
و باعث مسئولیت است اکیداً مقرر میگردد که باید
زودتر این رویه متروک و هیچ کس از بانوان نباید با چاره
در میان بر دین شوند لهذا از تاریخ نشر احکام این تاریخ روز
اگر وضعیت فعلی آدماه دهنه شدیداً تصفیه خواهند شد
حکم و شهود در کاشان

ل. ن. سیم



وزارت داخله

اداره

دایره

وزارت داخله

عطف به شماره ۱۶۲۳ صادره از اداره کاپیتان مدرسه میباید که امتحانات لازم به عمل آید تا آنکه خاطر وزارت توجه مشرب که تم راجع
 اجرائی این دستور غیر از سایر مشرب است و باید با حکم حرم و حقیقتاً شروع با تمام این موضوع شود و هر روز با رئیس شهر بانه مشول تهیه تعداد
 برابر اجرائی این دستور در تمام نظر بایستی عده خود سمکات در طرف مریضه مذکوره نموده بودند که حاضر بر این حساب تحویل
 و استعفا میدهند و عده آنها هم پس از شش نفر نیست و بقیه الی هم در سطح است و خبر راجع به رخ موجب دشواری خود را از مدرسه برداشته
 به در اداره صرف با چند نفر سمکات در این شهر بانه در این مدارس تشکیل آنچه لازم است اظهار بود تا نباشد و حاضر شدند که در این
 شروع به تعلیمات لازم در خانواده آموخته که پس از تشریف فراتر جانب امر در صرف و تکلیف گفتار در این موضوع آنگاه که قصد تفریح
 در خانه یا در صبه مدرسه حاضر شوند و ضمناً صورت کسبه مصلحت را از مدرسه گرفته که بعضی که در حرام خود را از مدرسه خارج کرده اند
 آنها را بر این مسئله تعقیب و مجبور نمایند که امر محبت بدین که این صورت خوشی تحویل داشت و اعدای نیز از در این جهت
 الصاق شده بود که در کار و فعالیت بیاشد و به مسلمانها خطاب نموده بود که در حرام خود را از مدرسه خارج کرده و بیضه
 باید اقدام نمود که شهر بانه مشول سمکات است بنظر اینجانب عده پاسبان شهر هم فعله برابر اجرائی این دستور کانه منت
 در این شهر بانه عده کار نموده و در هیچ نوع امتحانات کوه آمیزند و بی برابر اینکه در تمام ممدت سب روز باید است که
 که مرتب بود فردا الی بود که سوره اقرانی نسبت به زنی فرود که موجب فساد حیوان کما لیبود لازم است سر تفریح
 شهر هم اضافه نمایند که در هرگز پیش از سوره جلوس شود و لذت در شهر بانه هم هرگاه در این موضوع در حرامت نیز مندرجه است
 این موضوع در تمام کماله واقف امیدوارم با کمال ترتیب و نظم دستورات صادره بوقت اجرا گذشته شود حکومت



مورخه تاریخ سنه ۱۳۱۱

شماره

شماره

اسناد

کمال مستقیم اداره تربیتات استان در تاریخ ۱۳۱۱/۱۰/۲۵ بعد از تفرغ از ...
 نماید بر حاکم محترم بفرمان کین با شایسته ترین برای تشریف به استان در امر ...
 کوی که معین مقرر شده است و در مورد ...
 امر زمانه ...
 دارالسیاده ...
 معروض نماید تا ...
 بتو ...
 دیده نمود ...
 مانت ...
 وارد ...
 نیز ...
 آن ...
 بود ...

امام ...
 [Signature]

۱۳

تاریخ
۱۳۰۹



استاد آرتور
شماره ۷
تاریخ ۱۳۰۹

استاد آرتور

سواد را بریت نموده ۴۴۴ تکمیل اداره تدریسات استان قدس
وضاحت آن مشهور است که فا اظهاریه سرسنگ کن از
ایران معمرات منادا اوسان و چون موافق بنا بود که
افزایان اوامر صادره را مسترد بشمارند برای اوامر نسبت
بمابریین مکان بنوا د بود و بنوا د مناد استاد نام مسترد
فرمایند که اینگونه وقایع تکرار ننود .

نایب تولیت عالی

سواد فوق بضمیمه سواد را برت تکمیل اداره تفریفات و نشاط
ان برای اطلاع ریاست وزراء ارسال میشود .
نایب تولیت عالی

تاریخ ۱۳۰۹
شماره ۷
۲۴۳۶
۱۵/۳/۱۳۰۹
مسترد شد
۴

۱۵۳۶
۵۱۰۹

نمونه ۳۶۵



وزارت بستان و تنگراف و تلفن
تنگراف

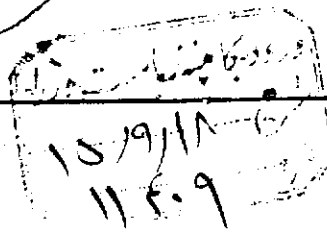
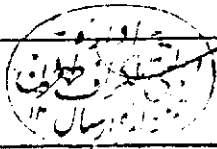
۱۳۶

فایل ۱۹۰
فایل ۱۹۱
فایل ۱۹۲
فایل ۱۹۳
فایل ۱۹۴
فایل ۱۹۵
فایل ۱۹۶
فایل ۱۹۷
فایل ۱۹۸
فایل ۱۹۹
فایل ۲۰۰

نمره کتاب

از سال	نمره قبض ۷۶۲۴	عدد کلمات	تاریخ اصل	الواضحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
به ط	نمره تنگرافها ۱۹	۹۰	۱۴		۱۴	

رایت دریا عطف نامه تعمیر رافع به بورس نوال تعمیر و به عفت
 تعمیرات اداره فرمایید مبلغ ۵۵۱۲ ریالی است موجود عانات
 - زلزله زدگان مازندران که مقدار در مالیه سار موجود است و به عفت
 قرار است به جمعیت شرفورسده مبلغ مازندران به جهت بودجه
 به مدیر نوال تعمیرات مازندران جهت تعمیرات مازندران و
 جمعیت مازندران اقدام شود جمعیت شرفورسده مبلغ ۲۳۶۱۸ ریالی
 از مازندران و عوات که در بانک جمعیت مازندران جمع و مقدار مازندران
 به موجود ریالی مازندران ۷۹۲۰ ریالی میسر



۱۳۱۵

تاریخ کابل فرورد ماه

۱۲/۱۵



۲۰۲۹

شماره ۳۷۸
س ۲۵۰

وزارت داخله

ریاست دروازه

اداره

دایره

ایالت غیره آذربایجان مکران و اذربایجان سید هر دو در حدود اخیر اکثر زمینها تغییر در احوال و احوال
 عده قبایله در آنجا وضع غیر مساعده شده اند و آنکاره زمینها را نیز تغییر یافته اند
 باقی عده فقط همانرا بر ابر کله و تیره نموده بود در ایالت مشخصه بر احوال تیره کرده است
 ایالت پشیمانیه نیز در چون سعادت با این قبیل اوضاع و احوال در بعضی در بعضی در بعضی
 تیرت اجازت داده شود از قهر و غم و غیره اوقاف باقی سنی چوب تعیین نموده اند
 تخصیص بر سه داد و ستد و سایر امور که در آنجا در بعضی در بعضی در بعضی
 تیره و با نظارت معارف و شهرت از این قوه تقسیم نمایند سعادت و غیره که در بعضی
 ایالت مورد تعویب واقع گردد متصرفینند اوامر و نواهی وزارت معارف و اوقاف و مدارس
 و وزارت و غیره را مستحق دارند

علی اکبر آرازمی
 مستخدم

۱۵

۱۳
 ۱۵

تاریخ: ماه ۱۳۱

شماره:



ت خراسان

الان

حکومت ولایات ثلاث

با دستورات اکیدی که راجع به پیشرفت نبضت اسوان واتحاد شکل صادر شده معینا طبق اطلاع صحیحی که رسیده در اجرای امر از طرف انحکومت اقدامی بعمل نیامده مثلا اخوندها حکم آباد همه در لباس اخوندی و زنهار در جادر و سایر اشخاص را لباس قدیمی هستند بطوریکه اگر شخصی بعمل مزبور وارد شود گمان میکند اهالی انجا ابراز نمیکنند از این سهل انگاری و غفلی که در اجرای مقررات و دستورات صادره بعمل آورده اید کمالات تو بیخ میشود لازم است برای پیشرفت نبضت بانوان نوبت اقدامات لازم نموده اشخاصی هم که تا کنون بلباس متحدالشکل طیس نشده اند انهارا ملزم بپوشیدن لباس نظامی نسبت بانشخاصی هم که مطابق مقررات و دستورات صادره از پوشیدن لباس متحدالشکل معاف هستند مطابق دستورات صادره در اینباب اقدام نماید چنانچه اقدامات فوری بعمل نیاید شدیدا مواخذه خواهید شد.

والی ایالت خراسان

رونویس شرح فوق بداره امنیه ناحیه شرق فرستاده میشود که دستور فوری و اکید بامنیه محل صادر نمایند چنانچه از طرف امنیه محل در اینباب سئیل اکاری شده جدا تعقیب و بازخواست توار داده نتیجه را اعلام دارند.

والی ایالت خراسان

۱۴۸۷۱
۱۴۱۲۲

رونویس برای استحضار ریاست وزرا تقدیم میشود.

۱۴۸۰۳۱
۱۴۷۵۱

وزیر والی ایالت خراسان

مستور
۱۳۱۲/۱۵

X



وزارت کشور

اداره سیاست و گد رنامه

تاریخ: ۱۳۲۴ ماه: ...

شماره: ۹۵۹۵

محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

بطوریکه خاطر محترم مستحضراست مطابق قانون لباس متحد الشکل مصوب ۶ بهمن ۱۳۰۷ کتب
 اتباع ذکر ایران که بموجب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص نیستند مکلفند لباس متحد الشکل
 بپوشند و متخلفین از این قانون جزای نقدی و حبس از یک تا هفت روز محکوم میشوند. تا شهریور ۱۳۲۰
 این ترتیب کاملاً رعایت شده و متخلفین هم به آنگاه صالحه احاله میشوند ولی از آن تاریخ به بعد
 خصوصاً در این اواخر و نیامی مقررات قانون مذکور را مراعات ننموده عبا و عمامه های رنگارنگ و کلاه
 پوست و غیره استعمال میکنند که البته این سیر قرائنی طبعاً در روحیات اهالی هم تاثیر خواهد
 داشت و اگر باین منوال بگذرد ترتیب سابق که انواع و اقسام البسه مختلف الشکل جبر و ناجور در تهران
 دیده میشد مجدداً معمول بشود - چون هر موقع که مأمورین انتظاماتی به متخلفین از قانون تذکیر
 میدهند و یا آنها را به آنگاه صالحه میفرستند مورد اعتراض سایرین و جرائد واقع میشوند مراتب معروض
 گردید تا هرگاه مصلحت و مقتضی باشد اجازه فرمایند بشهریاری کل و استانهای مربوطه دستور داده
 شود متخلفین را طبق قانون جدا تعقیب و کیفر خود برسانند. بدیهی است این ترتیب شامل حال
 مردان بون و مربوط بچاد و نماز و چاد و سیاه نیست که بنا بمقتضیات وقت فعلاً به بیجوجه جلوگیری
 نمیشود. ضمناً نسبت به درود کبری که در این باره آمده نیز در صورت صحبت آنرا تذکره

وزیر کشور

دستور وزیران ملحق

بلند کمر نیاید و ...
 در وقت دراز کمر نیاید

۱۸۷۵
 ۲۲/۱۲/۲۴

۱۲/۱۲/۲۴